

دربارهٔ شرافت حمید نعمت‌الله که ایرانی فیلم می‌سازد و آویزان جشنواره‌ها نیست

مصنون که فیلم‌تان توی چمدان نیست



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

حمید نعمت‌الله ۲۲ سال از اولین فیلمش می‌گذرد. چند حاشیه درست کرده؟ چند بارتصویرش را با تیتراهای دوپهلو در صفحه اول نشریات زرد زده‌اند؟ چند بار کانال‌های تلگرامی تکه‌ای از مصاحبه‌اش را دست گرفته و مسئولان او را مجبور به واکنش کرده‌اند؟ نعمت‌الله یکی از کم‌حاشیه‌ترین فیلمسازانی است که در ۲۰ سال اخیر ظهور کرده و البته از بهترین‌هایشان، کسی که در تمام این سال‌ها از کم‌حرف‌ترین کارگردانان بوده و نخواسته کوچک‌ترین کلمه باعث شود، جملات از پلان‌ها بالاتر برود. او

حتی در جدال‌های اخیر اینستاگرامی سکوت کرد و نگذاشت هیچ حاشیه‌ای باعث شود، «قاتل و وحشی» به چیزی بیش از یک فیلم تبدیل بشود. این در حالی است که مدت‌هاست بسیاری از کارگردانان سینمای زیرزمینی و روزمینی به دنبال چنین موقعیت‌هایی هستند تا فیلم‌هایشان را بدل به یک کنش مدنی در حد اندازه یک انقلاب وایسرال و ایجاد موج کنند. با این حال کارگردانی که مدت‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین فیلمسازان سینمای اجتماعی در ایران شناخته می‌شد، تنها یک خواسته را در ماه‌های اخیر مطرح کرده و آن هم فقط یک اکران برای «قاتل و وحشی» است. آن هم نه اکران یک‌روزه، بلکه تنها و تنها یک سانس اکران و برای خبرنگاران و منتقدان.

در بزنگاه‌ها آدم‌ها محبوب می‌شوند

حالا فکر کنید موقعیتی پیش بیاید و همین کارگردانی که در نمایش فرهنگ ملی و معنوی به بلوغ رسیده و اسم و رسمی برای خودش به پا کرده، به تنها و تنها یک دلیل و چند میلی متر موی بیشتر و کمتر، مورد غضب نهادهای بالادستی قرار می‌گیرد و اثری که سال‌۹۷ ساخته شده و هیچ خط ربطی با اتفاقات ۱۴۰۱ و حتی ۹۸ ندارد، ۷ سال در توقیف می‌ماند. در روزگاری که همه خوب پرتاژ رسانه‌ای را یاد گرفته‌اند و طبل شانتاژ، شده موسیقی متن تمام تعارضات فیلمسازها و نهادهای، منطقی به نظر می‌رسید که نعمت‌الله همان چند هفته پس از توقیف فیلمش شروع کند و از تلو یزیون تا نمایش خانگی، از اتاق‌های طبقه زیر همکف ارشاد تا سایر سازمان‌ها، نهادهای، نگاه‌ها و تفکرات را ببرد زیر سوال و دهان را باز کند و همه چیز و همه‌کس را مورد عنایت الفاظ خود قرار دهد. از آنجایی هم که ما به چنین واکنش‌های به حق و ناحقی

عادت کرده‌ایم، چند روزی موضوع را پوشش می‌دادیم و آخر کار هم با نهاد بالادستی کوتاه می‌آمد و یا کارگردان فیلمش را می‌فرستاد در یوتیوب و فاز منتقد سیستم می‌گرفت، کسی که شناختش از نعمت‌الله در حد یک فیلمساز معمولی باشد و تأملی روی کارهایش نداشته باشد، برایش منطقی است که نعمت‌الله هم با همین جریان همراه شود اما او فرق می‌کرد؛ دلش را از آثارش می‌شد فهمید. او درک وجودی دارد و می‌داند که اگر قرار است کسی مخاطب آثارش باشد، همین مردم هستند. نعمت‌الله از زمانی که «قاتل و وحشی» را ساخته، تنها یک خواسته داشته، آن هم یک اکران است. آن هم نه برای همه مردم؛ اکرانی برای خبرنگارها و منتقدان. سازمان سینمایی در واکنش به این درخواست نعمت‌الله بخش ویژه را به راه انداختند و در بخش ویژه هر فیلمی اکران و وایرال شد به جز «قاتل و وحشی»!

قول و قرارها یادتان رفت؟

۷ ماه از آن قول و قرارها می‌گذرد و منطقی به نظر می‌رسید که نعمت‌الله بی‌خیال ساخت اثر جدیدش بشود. با این حال، نعمت‌الله رفت و «آبت» را ساخت. دوباره بر اساس منطق سایر فیلم‌سازها، باید نعمت‌الله برای فشار آوردن به سازمان سینمایی فیلمش را می‌فرستاد به جشنواره‌های خارجی، پشت تریبون آن‌ور آبی‌ها می‌رفت و اظهارات شاذ می‌گفت و آخرش هم با یک حلقه گل از این طرف مورد پذیرایی قرار می‌گرفت اما نعمت‌الله دست به هیچ کدام از این کارها نزد، به همان دلیلی که در بالاتر گفتیم. او راه را بر بازار این شانتاژها بسته و باز هم برای فیلم جدیدش مجوز ساخت می‌گیرد. نعمت‌الله فیلمساز زیرزمینی نیست، چون شأن کارگردان «وضعیت سفید»، «آرایش غلیظ» و فیلمسازی که بلد است قصه ایرانی بگوید اجل از این حرف‌هاست و درک کاملی از قواعد دارد. حتی وقتی دیگری می‌خواند او را دچار حاشیه کنند و جدالی میان او و یکی از کارگردانان حاضر در جدول فروش به راه بیندازند، او هیچ جوابی نمی‌دهد و تواضع به خرج می‌دهد چون نمی‌خواهد حواشی بر متن بچربد.

بنابر گفته برخی از آن‌هایی که در جمع‌های خصوصی فیلم‌نعمت‌الله را دیده‌اند، آن سینمایی که نعمت‌الله در «قاتل و وحشی» روی پرده کشیده، شمایلی است از خشمی که آن هم رنگ و بوی ایرانی دارد، فیلمی که بنابر اصطلاح متداول، ادامه‌و در جریان سینمای اجتماعی قرار می‌گیرد اما طبق گفته مهدی یزدانی خرم، نویسنده فیلمنامه نویسنده فیلمی است که رنگ و بوی «واقعی» شاهنامه را دارد. حتی اگر فیلم‌نعمت‌الله فیلم خوبی هم نباشد باز هم کمترین حق او این است که یک بار به و اندازه فرصتی که به باقی فیلمسازها داده شده، «قاتل و وحشی» هم اکران شود. حالا این دست مسئولان است که بخوانند فضا را بدهند دست کدام فیلمساز. آن‌هایی که برای حضور در فلان جشنواره خارجی دست و پا می‌زنند یا فیلمسازی که فقط و فقط یک اکران خواسته برای فیلمش. حالا کارگردانی که روزی نوشته‌اش با هادی مقدم دوست جایزه‌گفت‌مان انقلاب اسلامی را می‌برد، منتظر ماندن تا فیلمش را روی پرده ببیند؛ فیلمی که تنها با دستور نهادهای تصمیم‌ساز و با سعه‌صدری که در این چند وقت در دستور کار نهادهای مختلف قرار گرفته می‌تواند اکرانی داشته باشد.

همه چیز مربوط به لنز است

یکی از جدی‌ترین فیلمسازانی که می‌شود به معنای دقیق کلمه و به شهادت آثار و نوشته‌هایش او را مدافع فرهنگ ملی دانست، حمید نعمت‌الله است. چه طیف حزب‌اللهی اهل سینما و چه طیف منصف روشنفکران، در اینکه نعمت‌الله فیلمساز مهمی است هیچ شکی ندارند. کارگردانی که حتی بدترین بازیگران تاریخ سینمای ایران هم بهترین‌هایشان را مقابل دوربین او انجام داده‌اند. با این همه نعمت‌الله حائز یک نکته مهم دیگری هم هست که کمتر کسی از آن صحبت کرده. او از نظر وجودی یک فیلمساز ایرانی است و خودش هم به این موضوع آگاه است. لفظ فیلمساز ملی دقیقاً روی او می‌نشیند و این نه به خاطر مضمون انتخابی یا نمادهای حاضر در فیلم بلکه به خاطر جهان و متنی است که او در آثارش خلق کرده. شاهدش چیست؟ مادر بزرگ در «وضعیت سفید»، چهار مادری که در «بیا از گذشته حرف بزنیم» خلق شد، سکانس نماز در «سر به مهر» که نعمت‌الله آن را نوشت، بازگشت

مینسای «رگ خواب» در پایان فیلم به پدرش، بلندپروازی و طمع ایرانی ایرج در «بی‌پولی» و ده‌ها قاب دیگری که یک فیلمساز را حائز مکان و زمان و البته ملیت می‌کند. او از معدود فیلمسازانی بود که نظر به جامعه ایران کرد اما به جای آنکه تن برهنه بخشی از آن را بپیراهن عثمان کند، ایستاد، عمیق شد، مختصات آدم‌ها را کشف کرد و گشت دنبال همان هویت‌هایی که ثمره قصه‌هاست. گشت دنبال احساساتی که ایرانی است. از حسادت ایرانی گرفته که در «شعله‌ور» نمود پیدا کرد و تا بلوغ و اعتیاد ایرانی که در «وضعیت سفید» روی پرده نقره‌ای تا تلو یزیون نمایش داده شد. در دوره‌ای که همه تیغ‌شان را گرفته‌اند سمت مهم‌ترین دهه تاریخ معاصر ایران یعنی دهه ۶۰ و متبدل‌ترین شش‌وخی را برای تحقیر کردن آن به کار گرفته‌اند، نعمت‌الله مهم‌ترین اثر تاریخ تلویزیون را در دفاع از دهه ۶۰ می‌سازد و میلیون‌ها ایرانی را پای تماشای قصه یک خانواده ایرانی می‌نشاند.

غرش لویاتان گونهٔ اکتای براهنی و بیچاره سینمای اجتماعی

مجتبی ارشدیری خبرنگار

اکتای براهنی در جدیدترین واکنش خود، به حمید نعمت‌الله و فیلم «قاتل و وحشی» تاخته و از ادبیات و عناوینی استفاده کرده است که شاید کمتر کسی تصورش را می‌کرد وی در کنار آن طمأنینه‌دانی و آرامشی که از اوسراغ داشتیم، از یک چنین هیولای درونی نیز برخوردار باشد. غانله‌ای که بهروز افخمی در برنامه هفت به راه انداخت، بالاخره پس از چند واکنش متنی توسط احسان افشاریان صداگذار فیلم‌های «قاتل و وحشی» و «پیر پسر» به پایان رسید و آن برداشتی را که باید همگان از این دونل غیر اخلاقی به دست می‌آوردند، ممکن کرد. نکته نخست آنکه براهنی ادعا می‌کند حتی فریمی از فیلم قاتل و وحشی را پیش از اتمام فیلم‌برداری پیر پسر ندیده است. حال آنکه افشاریان ادعا می‌کند او آخر فیلم‌برداری پیر پسر چنین درخواستی داشته و پس از موافقت نعمت‌الله، براهنی و سروری از لوکیشن به استودیو رفته‌اند و به تماشای قاتل و وحشی نشسته‌اند. در این میان، نکته‌ای که می‌توان برداشت کرد این است که براهنی برای فصل فیلم به دنبال الهام و نشانه‌گذاری‌های جدید بود و چون همه می‌دانستند یکی از دلایل توقیف قاتل و وحشی، خشونت بالای آن است، چنین درخواستی را با افشاریان مطرح می‌کنند و گویا حس و حال فیلم در تضاد با آن چیزی بود که آن فیلمش می‌طلبد. نکته دوم آنکه افشاریان ادعا می‌کند براهنی و سروری فیلم قاتل و وحشی را به‌صورت کامل دیده‌اند اما براهنی عنوان کرده هنوز به‌صورت کامل موفق به تماشای این فیلم نشده است. تا اینجا کار ایراد چندانی ندارد و مسئله اصلی نگارنده نیست. اینکه براهنی با چه منطق و فرهیختگی‌ای به خود اجازه داده در مورد یکی از موفق‌ترین اجتماعی‌سازان این مملکت طی دو دهه اخیر چنین سخنانی را مطرح کند، بحثی مهم و قابل تأمل است که نیاز به کنکاش دارد. اینکه کارگردان یکی از موفق‌ترین آثار اجتماعی این سالیان، این چنین برای نعمت‌الله شمشیر می‌کشد،

محلی از اعراب دارد و باید به بوته نقد گذاشته شود، یعنی نعمت‌الله کسی است که به سمت فیلم‌های بی‌موی غربی برود یا اینکه نیاز دارد که خود را به فیلم پیر پسر بچسباند؟ یعنی نعمت‌الله نیاز به دیده‌شدن یا معروفیت دارد که بخواد خود را به فیلم دیگری جز ساخته‌های خود بچسباند یا اینکه کارگردانی است که از پیر پسر یکی برای فیلم خود بسازد و عنوان کند حالا که این فیلم را اکران کرده‌اید، باید قاتل و وحشی را هم اکران کنید؟ چنین وصله‌هایی در کدام برهه از فیلمسازی نعمت‌الله دیده شده که حالا بخواد تکرار شود؟ کارگردانی که با حسن نیت، با درخواست یک کارگردان و تهیه‌کننده موافقت کرده و فیلم را به‌طور خصوصی برای آن‌ها نمایش داده آیا می‌تواند حامی پیامی جهر مز و همبستگی و همیاری برای اهالی سینما و فعالان آن باشد؟ این خطر بزرگی است که سینمای اجتماعی ما به آن دچار شده که طی آن، یک فیلمساز نسبتاً جوان که در حال گذران نخستین موفقیت کارنامه هنری‌اش است، به یک فیلمساز اجتماعی هجمه وارد کند و به اصطلاح به او و هنرش بتوپد. در این مرئی‌سرای، نه حمید نعمت‌الله در مقام مظلوم قرار می‌گیرد و نه اکتای براهنی، بلکه سینمای اجتماعی قربانی این نگاه لویاتان‌گونه می‌شود. سینمایی که در تمام این سال‌ها از سوی مدیریت‌هایی با گرایش‌های سیاسی مختلف با انواع اقسام محدودیت‌ها مواجه بوده، حالا از سمت فعالان کم‌تعداد خود نیز مورد هجمه قرار می‌گیرد و این چنین سر میانه‌های خود را در معرض خطر قربانی شدن می‌بیند. وقتی چنین خودنی‌هایی در سینمای اجتماعی دیده می‌شود چطور می‌توان انتظار داشت فعالان گونه‌های دیگر سینمایی و حتی مدیریت سینمایی کشور نسبت به این گونه محبوب، دلسوزی نشان دهند؟ در همین زمان، حکم می‌کند بزرگان سینمای اجتماعی کشور به این غانله ورود کنند و اجازه ندهند تا این سخن‌پراکنی، ابعاد بیشتری به خود بگیرد و به انتحاری خود ساخته منجر شود. تا بوده این گونه بوده که با اکران یک فیلم اجتماعی قابل دفاع، قاطبه فعالان این گونه و حتی فعالان

گونه‌های دیگر، از هر اقدامی برای تبلیغات آن فیلم استفاده می‌کردند اما اکنون مشاهده می‌شود این خرد جمعی و مشارکت، جای خود را به خودزنی و خودتحقیری داده است. اصلاً برای همین فیلم پیر پسر، اگر سونامی نقدهای مثبت منتقدان و پوشش همه‌جانبه اهالی رسانه از بهمن سال گذشته تا امروز نبود، آیا فیلم با چنین استقبالی مواجه می‌شد؟ اگر خواست و فشار اکثریت رسانه‌ها و فعالان هنری کشور نبود اصلاً آیا فیلم می‌توانست در چنین بازه‌ای روی پرده برود؟ آیا حتی می‌توانست رنگ ۱۰ میلیارد را به خود ببیند؟ طبیعی است که پاسخ تمام این پرسش‌ها، منفی است. این چه سندرم خطرناکی است که گهگاه در نهاد برخی فیلمسازانی ظاهر می‌شود که فیلمشان به هر دلیلی با موقعیتی مواجه می‌شود و این چنین قربانی می‌گیرد؟ لاقل این انتظار وجود داشت که پس از آن عصیانگری‌هایی که قطعاً به‌اشتباه و با روشی ناصواب علیه داریوش ارجمند رقم خورد، حالا این بار در مورد هنرمند دیگری رقم نخورد. خاصه آنکه این هنرمند شخصیتی چون حمید نعمت‌الله باشد اما در کمال تعجب می‌بینیم نه تنها این هجمه‌ها دوباره تکرار شده، بلکه بر شدتش نیز افزوده شده و کار را به جایی رسانده که حتی صداگذار فیلم با لحنی مذبذبه و زیرپوستی، به حمایت از نعمت‌الله برمی‌خیزد که البته این واکنش، بهترین هنجار به این دولت نوشتاری ناهنجارانه بود که با طمأنینه و آرامش خاص، ضمن افتخار به فیلم پیر پسر، آشکارا از نعمت‌الله و فیلم قاتل و وحشی حمایت کرده است. اگر هم ادعای براهنی درست باشد، آیا اخلاق و منش حرفه‌ای حکم می‌کند یا فیلمی که بیش از ۶ سال در محاق توقیف به سر می‌برد، چنین برخوردی روا داشته شود؟ آیا در تمام این ۶ سال، برخوردی مشابه با این حرکت برای فیلم قاتل و وحشی مشاهده شده بود؟ قطعاً اکتای براهنی با این حرکت نسنجیده، از چشم بسیاری از فعالان سینما و سینما دوستان افتاد و این اتفاق را به بزرگ‌ترین حاشیه کارنامه سینمایی خود تبدیل کرد اما زنگ خطر حالا از ساختی

دیگر برای سینمای اجتماعی به صدا درآمده که باید مراقب فعالان خود باشد، یعنی سینمای اجتماعی در کنار هزارویک مشکلی که برایش وجود دارد، از این پس باید نگران این مدل خودزنی‌ها نیز باشد و برای این غانله ناخواسته‌ای که توسط برنامه هفت ساخته و پرورانده شد، اشاره‌ای نشود. این برای چندمین مرتبه است که نقل قولی در این برنامه به یک ناهنجاری و درگیری در سینمای ایران تبدیل می‌شود. برنامه‌ای که قرار است به‌نوعی کمک‌حال سینما باشد حالا به محلی برای نزاع تبدیل شده و گویا تلاش دارد از این محل، توجهات را به سمت تأثیرگذاری خود معطوف کند. جریانی که متأسفانه سبب خواهد شد این برنامه، قطبیت رسانه‌ای خود را بیش از هر زمان دیگری از دست دهد. مگر آنکه حسن نیت خود را نشان دهد و در مسیر پوشاندن این شکاف و دلجویی از مقام حمید نعمت‌الله به‌عنوان یکی از سر میاه‌های مسجل سینمای اجتماعی ایران گام بردارد. مدیریت سینمایی کشور نیز تا امروز می‌بایست به این غانله ورود می‌کرد و آن را به سمت کرامت پیش می‌برد. اتفاقی که البته هنوز برای احقاق آن دیر نیست و باید دید این مأموریت به چه نحوی برای سازمان سینمایی و مدیران رده‌بالای آن پیش خواهد رفت. در آخر باید به حمید نعمت‌الله تبریک گفت که مانند همیشه مناعت طبع به خرج داده و عاملانه وارد این دعوی بی‌جگانه نشده است. هرگونه ورود او به این غانله می‌توانست به مرز بندی خودی و ناخودی تبدیل شود و حاشیه‌های متعددی را به بدنه سینما وارد کند. سینماگر برجسته‌ای که مانند تمام این سال‌ها، ترجیح داد در سکوت و انزوا، تنها نظاره‌گر باشد و به نفع سینمای اجتماعی، از حق پاسخ‌گویی‌اش عبور کند و به حواشی دامن نزنند. این یکی از بزرگ‌ترین تجربیات و درس‌های فرامتن برای فعالان سینماست که می‌توانند از بزرگان سینمایی بیاموزند و آن را در مسیر فعالیت‌های خود به کار گیرند.